

فصلنامه علمی مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی
دوره ۱۵، شماره ۳ (پیاپی ۵۲)، پاییز ۱۳۹۹
شاپای چاپی ۵۹۶۸-۲۵۳۸ شاپای الکترونیکی ۵۹۵۵X-۲۵۳۸
<http://jshsp.iaurasht.ac.ir>

مقاله پژوهشی
صص. ۷۴۴-۷۲۵

تحلیل وضعیت مناطق روستایی بر اساس شاخص‌های برنامه‌ریزی فضایی گردشگری (مطالعه موردی: شرق استان مازندران)

احمد رومیانی - دانش آموخته دکتری جغرافیا برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران
حمید شایان* - استاد گروه جغرافیا، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران
حمده سجاسی قیداری - استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران
محمد رضا رضوانی - استاد گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۰۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۰۵

چکیده

برنامه‌ریزی فضایی گردشگری، یکی از رویکردهایی است که در دهه‌های اخیر در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیست محیطی و سیاسی گردشگری موثر واقع شده است و مانند یک سیستم بر فضاهای گردشگری یک منطقه تسلط پیدا کرده و زمینه را برای مدیریت خردمندانه از فضا، انسان و فعالیت فراهم کرده است. لذا هدف از این پژوهش بررسی و تحلیل وضعیت مناطق روستایی بر اساس شاخص‌های برنامه‌ریزی فضایی گردشگری در شرق استان مازندران می باشد. نوع تحقیق کاربردی و برای گرآوری داده‌ها از روش‌های میدانی و کتابخانه‌ای استفاده شده است. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات و رتبه‌بندی روستاها از روش‌های آماری و مدل WASPAS، GIS بهره گرفته شد. جامعه آماری این تحقیق ۲۱ روستای مقصد گردشگری در سه گروه مردم محلی، گردشگران و کارشناسان در نظر گرفته شده است. یافته‌های آماره تک نمونه‌ای نشان دهنده سطح معنی‌داری شاخص‌های برنامه‌ریزی فضایی گردشگری روستای در محدوده مورد مطالعه است. همچنین از دیدگاه سه گروه مورد مطالعه بهترین رتبه‌ها به روستای التبه (عباس‌آباد) با Qi برابر با ۰/۸۵۶ می‌باشد و در رتبه دوم روستای شهیدآباد با Qi برابر با ۰/۱۲۹ و در رتبه سوم روستای نیالا با Qi برابر با ۰/۱۲۶ می‌باشد. روستاهای تپه نو با Qi برابر با ۰/۱۰۱، روستای اطراب با Qi برابر با ۰/۱۰۳ و لمراسک با Qi برابر با ۰/۱۰۵ در پایین‌ترین رتبه‌های آخر قرار دارند.

واژه‌های کلیدی: برنامه‌ریزی فضایی، مناطق روستایی، ظرفیت‌های گردشگری، مدل WASPAS

نحوه استناد به مقاله:

رومیانی، احمد، شایان، حمید، سجاسی قیداری، حمده و رضوانی، محمد رضا. (۱۳۹۹). تحلیل وضعیت مناطق روستایی بر اساس شاخص‌های برنامه‌ریزی فضایی گردشگری (مطالعه موردی: شرق استان مازندران). *مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی*، ۱۵(۳)، ۷۲۵-۷۴۴.

http://jshsp.iaurasht.ac.ir/article_672816.html

مقدمه

امروز توجه به نقش و جایگاه توسعه روستاها در فرایندهای توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در مقیاس محلی، منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی از یک سو، و پیامدهای توسعه نیافتگی مناطق روستایی چون فقر گسترده، نابرابری فزاینده، رشد سریع جمعیت، بیکاری، مهاجرت، حاشیه‌نشینی شهری و غیره از سوی دیگر، موجب توجه به روستاها و حتی تقدم آن به جوامع شهری در نظام برنامه‌ریزی گردیده است (Roumiani, 2013: 5). مناطق روستایی با دارا بودن جاذبه‌ها و پتانسیل‌های محیطی، سرشار از جاذبه‌های طبیعی، فرهنگی - اجتماعی و تاریخی می‌باشند که نیازمند توجه و در اولویت قرار دادن آن‌ها در راستای توسعه گردشگری است (Nazarin et al, 2006:103). لذا برنامه‌ریزان، مدیران و جامعه‌شناسان توسعه روستایی، تحقق این توسعه را نیازمند راهبردهایی می‌دانند که زمینه‌ساز منافع طولانی مدت و پایدار جوامع روستایی باشد. از جمله این راهبردها می‌توان شناخت ابعاد برنامه‌ریزی فضایی در توسعه گردشگری اشاره کرد که در سال‌های اخیر در کشورهایی مانند ترکیه، صربستان، پرتغال توانسته‌اند، زمینه را توسعه مقصدهای گردشگری در مناطق روستایی فراهم کنند (Dede & Ayten, 2013: 2931; Stojavljević, 2013: 2931; Cravo & Bailoa, 2012: 11).

در برنامه‌ریزی فضایی گردشگری، می‌بایست توانمندی‌ها و قابلیت‌های مقصدهای گردشگری، شیوه‌های توسعه گردشگری و پهنه‌بندی مناطق گردشگری شناسایی شوند تا از طریق آن جایگاه هر یک از مقصدهای روستایی در فرآیند توسعه منطقه‌ای مشخص شود؛ شناسایی این جایگاه می‌تواند به انتظارت معقول و برخورد منطقی با مقصدهای گردشگری روستایی کمک نماید تا متناسب با داشته‌ها و ظرفیت‌های آن‌ها برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری در آن‌ها صورت پذیرد و امکانات و تسهیلات در خور تخصیص یابد (Risteski et al, 2012: 1). به این ترتیب، به منظور پیشگیری از توسعه ناموزون مقاصد گردشگری روستایی، ضرورت دارد که به برنامه‌ریزی فضایی گردشگری توجه شود؛ زیرا برنامه‌ریزی فضایی، فرایندی برای تنظیم و هماهنگ کردن برنامه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی با نیازها و امکانات محلی و منطقه‌ای است و سبب انطباق ویژگی‌های منطقه‌ای با برنامه‌های کلان ملی می‌شود. اگرچه در نگاه اول، برنامه‌ریزی فضایی و بخش گردشگری دو مفهوم مجزا به حساب می‌آیند، اما واقعیت این است که آن‌ها ارتباط تنگاتنگی دارند و از ماهیت فضایی برخوردار است (Ziaee & Shojai, 2010: 48).

منطقه مورد مطالعه این پژوهش شرق استان مازندران شامل چهار شهرستان (کلوگاه، بهشهر، نکا و میان‌دورود) می‌باشد که در سه دهه اخیر بیشتر مورد توجه عموم مردم و ارگان‌های دولتی و بخش خصوصی قرار گرفته است و سبب شده است که زمینه برای تخریب منابع محیطی فراهم گردد. در این محدوده به علت توزیع نامتوازن و عدم هماهنگ جغرافیایی کلیه فعالیت‌های اقتصادی - اجتماعی در پهنه گردشگری استان نسبت به قابلیت‌ها و توانمندی‌های طبیعی و انسانی و به ویژه توزیع متناسب منابع محیطی شامل منابع اکولوژیکی (فیزیکی و زیستی) و منابع اقتصادی و اجتماعی گردشگری روستایی با در نظر گرفتن ملاحظات آمایش گردشگری نبوده است و عدالت توزیع فضایی (خدمات، زیرساخت‌ها، سرمایه‌گذاری‌ها و غیره) بین مناطق روستایی آن صورت نگرفته است. بنابراین مطالعات صورت گرفته توسط محققانی از جمله (Ghdami et al, 2010; Sandgol & Sharifinia, 2016; Sepehri & Babaei, 2015; Sheikhi & Shojaei, 2011) در این استان نشان می‌دهد که برنامه‌های گردشگری شرق مازندران نتوانسته زمینه را برای یک توسعه گردشگری فراهم کند. لذا لازمه اجرایی و عملیاتی شدن این طرح، شناسایی همه ظرفیت‌های این حوزه در قالب ابعاد برنامه‌ریزی فضایی گردشگری روستایی می‌باشد. بنابراین هدف از این پژوهش بررسی و تحلیل مناطق روستایی براساس شاخص‌های برنامه‌ریزی فضایی گردشگری در محدوده مورد مطالعه می‌باشد؛ و به دنبال پاسخ‌گویی به این سوال‌های کلیدی می‌باشد. کدام یک از شاخص‌های برنامه‌ریزی فضایی (فضا، انسان و فعالیت) گردشگری، بیشترین اثرگذاری را در مناطق روستایی به دنبال داشته است؟ و وضعیت مناطق روستایی از لحاظ ابعاد برنامه‌ریزی فضایی گردشگری چگونه است؟

اهمیت برنامه‌ریزی فضایی گردشگری در عصر حاضر بیش از همه وابسته به نگاه ژئوپلیتیک هر مکان است که یک مفهوم مهم برای دستیابی به مزیت‌های بخش گردشگری برای سرزمین‌ها و محیط به حساب می‌آید. به عبارت دیگر، اهمیت برنامه‌ریزی فضایی شناخت طرح‌های توسعه فضایی از جمله گردشگری در مراحل مختلف برنامه‌ریزی، طراحی و مدیریت استوار بر سه اصل اجرا، پایش و ارزیابی و مبتنی بر اصول پایداری، یکپارچگی و جامعیت می‌باشد. برنامه‌ریزی فضایی گردشگری روندی است برای بهره‌ورسازی و آرایش منطقی، حفظ تعادل و هماهنگی بین جمعیت و تأسیسات اجتماعی و اقتصادی ایجاد شده در فضای ملی و

منطقه‌ای و جلوگیری از بروز عدم تعادل و بازتاب‌های تخریبی منفی در فضای سرزمین است. و از سوی دیگر، مقوله فضا و تحلیل برنامه‌ریزی فضایی نواحی گردشگری به عنوان چارچوب و زیربنایی برای کنش‌های مربوط به گردشگری بسیار مهم است. برای درک بهتر فضا، فرآیندهای سازنده آن از بعد فیزیکی شامل زیرساخت‌ها و خدمات توریستی (شامل هتل‌ها، رستوران‌ها، فروشگاه‌ها و غیره)، مکان‌های مورد بازدید (آثار تاریخی، تفریحی، تئاتر، موزه‌ها، مکان‌های مذهبی و غیره) و بعد اجتماعی و ویژگی‌های فرهنگی و رفتاری منطقه بسیار اهمیت دارد (Malik & Kalantari, 2014: 56). بنابراین با توجه به مطالب بالا برنامه‌ریزی فضایی فرصتی برای توسعه گردشگری در موارد ذیل به وجود آورده است:

- می‌توان از برنامه‌ریزی فضایی به عنوان ابزاری برای هماهنگ کردن توسعه اجتماعی - اقتصادی از طریق جلوگیری کردن از مشکلات محیطی و در عین حال حفظ محیط طبیعی و فرهنگی، بهره گرفت. چالشی که در مسیر برنامه‌ریزی وجود دارد این است که باید نسبت به استفاده‌ی موثر از منابع زمینی محدود و همچنین نسبت به توسعه کسب و کار منطقه‌ای متوازن و استفاده متوازن از منابع، از جمله منابع طبیعی، منظره‌ها، خاک، آب، و هوا، اطمینان حاصل شود.

- نظر به اینکه برنامه‌ریزی فضایی ماهیتی درازمدت دارد، بنابراین می‌تواند اصول مهم پایداری را در بر بگیرد. از این رو، استفاده از برنامه‌ریزی فضایی برای ارتقا و بهبود توسعه پایدار، مفاهیمی همچون توسعه و حفاظت را نه به عنوان عناصر متناقض، بلکه به عنوان عناصر مکمل در بر می‌گیرد.

- می‌توان چندین برنامه اقدام تدوین کرد که بصورت جداگانه نیازها و حیطه‌های مختلف را تحت پوشش قرار دهند، با این وجود، مهم است که یکپارچگی بخش‌ها را در بستر برنامه‌ریزی فضایی (برنامه‌ریزی منطقه‌ای و توسعه تجارت، توسعه شهری پایدار، حمل و نقل، تنوع زیستی، همکاری برون‌مرزی و غیره)، مشارکت دموکراتیک و همگانی، توسعه ابزارهای برنامه‌ریزی، و مواردی از این قبیل، مد نظر قرار دهیم. این امر برای ارتقای توسعه پایدار در یک منطقه معین ضروری می‌نماید. البته، توسعه راهبردی صحیح مقصد گردشگری، مثل توسعه گردشگری پایدار، محوریت چنین ارتقایی به حساب می‌آید (Risteski & et al, 2012: 385).

فهم اهمیت برنامه‌ریزی فضایی در بخش گردشگری امری اجتناب‌ناپذیر به حساب می‌آید. گردشگری فعالیت پیچیده‌ای است که بخش‌های مختلف اقتصاد را تحت پوشش قرار می‌دهد و استدلال آن این است که تأثیرات ناخواسته و نامطلوب بخش گردشگری در غیاب هر گونه تلاشی در جهت برنامه‌ریزی، بروز پیدا می‌کنند. بخش گردشگری با فروشگاه‌ها، رستوران‌ها، شبکه‌ها، حمل و نقل و محل‌های اقامت در ارتباط است، به طوری که همه این‌ها در درون برنامه‌ریزی منطقه‌ای گنجانده و تعریف می‌شوند (Dredge & Moore, 1992:10). لذا برنامه‌ریزی فضایی یک مکانیسم مداخله‌ای برای تکامل و توسعه گردشگری برای منفعت محیطی و عمومی به شمار می‌رود. به طوری که نقش برنامه‌ریزی فضایی در گردشگری در سطح محلی، ارتباط نیرومندی با عرضه گردشگری دارد. از سوی، برنامه‌ریزی فضایی در سطح برنامه‌های راهبردی ملی، می‌تواند چشم‌اندازی برای توسعه گردشگری مطلوب تدوین کند. برنامه‌ریزی فضایی حیاتی‌ترین گام در فرایند توسعه گردشگری به شمار می‌رود، که مزایای اقتصادی، اجتماعی و محیطی را به وجود می‌آورد. علاوه بر این موارد، می‌توان مزایای برنامه‌ریزی فضایی برای توسعه گردشگری را اینگونه تعیین کرد: مزایای اقتصادی؛ از طریق تضمین کیفیت محیطی جهت ایجاد شرایط مطلوب برای سرمایه‌گذاری و در عین حال تلاش در جهت برآورده ساختن نیازهای جوامع محلی؛ مزایای اجتماعی؛ از طریق مدنظر قرار دادن نیازهای جوامع محلی، حمایت کردن از فراهم آوری زیرساخت و روساخت محلی، سالم و امن نگه داشتن محیط؛ مزایای محیطی؛ از طریق ارتقا دادن بازتولید و استفاده مناسب از سرزمین و ساختمان‌ها، محافظت کردن از موهبت‌های فرهنگی، تاریخی و طبیعی، محافظت کردن از ساختارهای طبیعی، ترویج دادن صرفه‌جویی در مصرف انرژی و کارایی انرژی (United Nations, 2006: 2). لذا بین برنامه‌ریزی فضایی و عوامل مورد بررسی در بالا که منجر به توسعه گردشگری می‌شود، پارادایم غالب قرن حاضر به یک هدف جمعی تبدیل شده و در پی تعامل بین فضای زیست‌میزبانان، گردشگران و بهره‌مندان با منابع محیطی و فرهنگی است و ضمن تأمین نیازهای حال حاضر افراد، حفظ و حراست از منابع محیطی و طبیعی برای آیندگان را نیز در نظر دارد (Prichakani, 2014: 5).

بنابراین با توجه اهمیت موضوع در ذیل به تعداد از مطالعات داخلی و خارجی در این زمینه اشاره شده است، در همین رابطه رحمانی (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان آمایش سرزمین و توسعه پایدار روستایی با رویکرد گردشگری با بکارگیری پارامترهای اقتصادی، اجتماعی و اکولوژی به این نتیجه رسید که تاکنون سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های توسعه در فضاهای روستایی چندان نتیجه بخش نبوده و نتوانسته در حل به موقع مشکلات و رفع موانع توسعه در عرصه‌های روستایی مؤثر باشد. لذا در مطالعه خود

اظهار می‌کند که آمایش سرزمین و توسعه پایدار روستایی با تاکید بر رویکرد گردشگری، می‌تواند در بهره‌برداری از قابلیت‌های محیطی و ارتقای سطح زندگی این جامعه کارساز باشد و در چشم انداز توسعه پایدار روستایی عملکرد آن را می‌توان مشاهده کرد (Rahmani, 2010). ضیا و شجاعی (۱۳۸۹) در پژوهشی به سطح‌بندی مقصدهای گردشگری: واکای مفهومی نو در برنامه‌ریزی فضایی گردشگری پرداخته و به این نتیجه رسیدند که سطح‌بندی مقصدهای گردشگری به عنوان یک ابزار مدیریتی در برنامه‌ریزی منطقه‌ای و سازماندهی فضایی گردشگری مطرح و می‌تواند مقصدهای گردشگری را در حصول به توسعه پایدار گردشگری کمک نماید. چرا که سطح‌بندی به عنوان ابزاری هدایتگر، نشان می‌دهد که متناسب با ظرفیت‌های بالفعل و بالقوه مقصدهای گردشگری، محصولات و خدمات گردشگری عرضه و فعالیت‌های بازاریابی در جهت هدایت تقاضا صورت پذیرد (Ziaee & shojai, 2010). غفاری و همکاران در سال ۱۳۹۰ به سطح‌بندی و برنامه‌ریزی فضاهای گردشگری روستایی بخش مرکزی شهرستان بویر احمد پرداخته و به این نتیجه رسیدند که قلمرو تحقیق از جاذبه‌های طبیعی، فرهنگی و تاریخی متعدد و متنوعی، در توسعه گردشگری برخوردار است اما توزیع خدمات و تأسیسات در کانون‌های جاذب روستایی نامتعادل و نامتناسب با جایگاه مکانی - فضایی هر یک از آن‌ها بوده است. از این رو راهبردهای اجرایی در توسعه ساختار و سازمان فضایی حاکم بر حوزه‌های گردشگری روستایی ارائه و برای هر کدام از سطوح، تجهیزات و زیرساخت‌های متناسب پیشنهاد گردیده است (Ghaffari et al, 2011). مرشدی و همکاران (۱۳۹۵) در بررسی فضایی کانون‌های گردشگری به منظور تعیین مناطق بهینه خدمات گردشگری در استان فارس، به این نتیجه رسیدند که قلمرو تحقیق با توجه به جاذبه‌های گردشگری متعدد دارای توزیع نامتعادل و نامناسب از لحاظ دسترسی به خدمات گردشگری می‌باشند و بخش‌هایی همچون بخش مرکزی شیراز، آباده، فسا و نیریز که از لحاظ جاذبه‌های گردشگری دارای پتانسیل بیشتر بوده به همان نسبت خدمات گردشگری بیشتری را طلب می‌کنند و باید برنامه‌ریزان و مسئولان امر توجه ویژه‌ای به این مناطق نشان دهند، این مناطق را در اولویت توسعه قرار دهند. از سویی بخش‌های جنوب و جنوب‌غربی استان همچون محمله، خشت، افزار، پشتکوه و ... با توجه به آب و هوای گرم و خشک و وجود جاذبه‌های گردشگری کمتر در اولویت آخر از نظر توسعه قرار گرفته‌اند (Morshdi et al, 2016). ریستیسک و همکاران (۲۰۱۲) در پژوهشی با عنوان برنامه‌ریزی فضایی و گردشگری پایدار در کشورهای در حال توسعه، پایه‌ای برای رقابت توریستی با هدف تغییرات استراتژیکی جدید در گردشگری، و جذب شرکت کنندگان برای رقابت در بازارهای مقصد گردشگری به بحث و بررسی پرداختند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که برنامه‌ریزی فضایی گردشگری، می‌تواند زمینه مشارکت همه ذینفعان را در ارائه خدمات محصولات گردشگری مشترک، که فعال هستند بوجود آورد. همچنین آن‌ها معتقدند که از برنامه‌ریزی فضایی به عنوان یک فرصت برای توسعه پایدار، توسعه گردشگری پایدار و ایجاد یک مقصد رقابتی، و برنامه‌ریزی موفق برای مدیریت گردشگری مقصد می‌توان بهره گرفت (Risteski et al, 2012). مواردی دی و اسان (۲۰۱۲) در پژوهشی به نقش برنامه‌ریزی فضایی برای توسعه گردشگری پایدار، یک مدل نظری برای ترکیه پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش نشان داد که شرایط این مدل باید همراه با مقررات برنامه‌ریزی و معیارهای پایدار در هر سطح از فرایند برنامه‌ریزی دیده شود و تعیین معیارهای پایداری برای هر سطح یک مسئله حیاتی در این مدل است و می‌توان آن را در مدل برنامه‌ریزی فضایی مورد استفاده قرار داد. لذا برای اتخاذ معیارهای پایداری در هر سطح از فرایند تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی، آماده‌سازی و روند فضایی وظیفه برنامه‌ریزان و طراحان است و موفقیت آن به تعامل متخصصان مختلف از جمله (اقتصاددانان، جغرافی‌دانان، جامعه‌شناسان، زمین‌شناسان، طراحان چشم‌انداز، مهندسين عمران و غیره)، و مشارکت همه ارگان‌های دولتی و نهادهای مدنی و ساکنان محلی برای ارزیابی مهم تلقی شده است (Murad De & Ethan, 2012). یانگ و فیک (۲۰۱۴) در پژوهشی به اثرات فضایی رشد گردشگری منطقه‌ای در چین با استفاده از روش‌های تحلیل رگرسیونی به بررسی دو نوع اثرات فضایی در گردشگری منطقه‌ای، رشد و گسترش مکانی و ناهمگنی فضایی پرداخته‌اند. آن‌ها برای بررسی مدل رشد در گردشگری منطقه و شناسایی عوامل اقتصادی و فضایی و تنوع در رشد گردشگری بین سال‌های ۲۰۰۲-۲۰۱۰، ۳۴۲ شهرستان را در نظر گرفتند. نتایج تجزیه و تحلیل این پژوهش نشان داد که چند عامل مهم از جمله رشد اقتصاد محلی، اقتصاد محلی سازگار، زیرساخت هتل‌ها و همچنین اثرات فضایی و متقابل شهرستان‌ها در ارتباط با منابع گردشگری و زیرساخت هتل‌ها، به لحاظ جغرافیایی و اثرات فضایی برای بررسی ناهمگنی فضایی در گردشگری مورد استفاده قرار گرفت و آن را به عنوان الگوهای رشد و الگوهای محلی رشد گردشگری پیشنهاد داده‌اند (Yang & Fik, 2014). کورنی لیسین (۲۰۱۴) در پژوهش اثرات گردشگری، توزیع و توسعه، ساختار فضایی گردشگری در ایالت کیپ‌غربی آفریقای جنوبی، به بررسی ویژگی‌های فضایی گردشگری غرب ایالت کیپ که یکی از مهمترین مناطق گردشگری بین

المللی آفریقای جنوبی است پرداخته و به این نتیجه رسیدند که فعالیت‌های گردشگری در رابطه با عرضه محل اقامت بیشتر با الگوهای گردشگری متمرکز است. به طوری که آن‌ها در این تحقیق اظهار کردند که تفاوت‌های مهمی بین مناطق در این ایالت‌ها و مناطق شهری در کلان شهر وجود دارد. همچنین نتایج ساختار فضایی گردشگری در کیب غربی نشان داد که پتانسیل‌های بالقوه برای توزیع فعالیت گردشگری و تاثیرات آن وجود دارد که می‌تواند زمینه را برای جذب گردشگران در شهرستان‌هایی که از فقر رنج می‌برند فراهم کند که در این زمینه دولت، باید زمینه را برای سرمایه‌گذاری داخلی در بخش خصوصی فراهم کند و مشوق بخش خصوصی باشد (Cornelissen, 2014). ساریون جاویلان و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهشی به توزیع فضایی عرضه گردشگری در اندلس با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) و تکنیک‌های اکتشافی و تجزیه و تحلیل داده (ESDA) در ایالت خود مختار اندلس اسپانیا پرداخته و به این نتیجه رسیدند که در برخی از مناطق، عدم تعادل پایدار بین سواحل و مناطق روستایی وجود دارد. ولی در برخی از مناطق دیگر، همبستگی مثبت مکانی با منطقه ساحلی دیده شده است. لذا با توجه به تعداد ساکنان دائمی، فشار کمتری ناشی از فعالیت‌های گردشگری در برخی از شهرداری‌ها در مناطق کوهستانی با کیفیت محیط‌زیست و چشم انداز عالی وجود دارد. اما تسلط منطقه گردشگری سنتی در غرب کاستا دل سل، غرب آلمریا و یا هیاد کادیز بیشتر رواج دارد که نشان از برجسته بودن یک توزیع عادلانه‌تر از اراضی گردشگری با فشار کمتر و با کیفیت‌تر در مقصدهای ساحلی و پویایی در منطقه داخلی روستایی نیز دارد (Sarrion-Gavilan et al, 2015). گودس و جیمینز (۲۰۱۵) در پژوهشی الگوهای فضایی گردشگری فرهنگی در پرتغال را با استفاده از روش‌های تجزیه و تحلیل خوشه‌ای مورد بررسی قرار داده و نشان داد که سازمان میراث فرهنگی، برنامه‌های گردشگری را برای استراحت و اوقات فراغت گردشگران، فراهم کرده است که بین جاذبه‌های گردشگری و سکونتگاه‌های روستایی یک رابطه قطعی وجود دارد و سبب اهمیت دروازه استراتژیک (لیسبون و پورتو) شده است (Guedes & Jimenez, 2015).

روش پژوهش

یکی از پارامترهایی که می‌تواند در انتخاب روش تصمیم‌گیری چند معیاره مورد توجه قرار گیرد، میزان دقت این مدل‌ها می‌باشد. همچنین محققان پیشنهاد می‌کنند ترکیب دو مدل می‌تواند میزان دقت آن را بالا ببرد. میزان دقت نتایج مدل‌های تصمیم‌گیری چند شاخصه WSM (مدل جمع وزنی) و مدل WPS (مدل محصول وزنی) نسبتاً به خوبی شناخته شده است. نتایج بررسی‌های محققان تاکید کرده است میزان دقت مدل‌های ترکیبی در مقایسه با میزان دقت این مدل‌ها قبل از ترکیب شدن خیلی بالاتر است. یکی از این مدل‌های ترکیبی مدل ارزیابی تولید وزنی تجمعی (WASPAS) می‌باشد. این مدل می‌تواند در مسائل پیچیده تصمیم‌گیری کارایی بالایی داشته باشد و همچنین نتایج حاصل از این مدل از دقت بالایی برخوردار باشند.

مراحل روش WASPAS:

ابتدا ماتریس وضع موجود بر اساس شاخص‌های طراحی شده تشکیل می‌دهیم. سپس به بی مقیاس سازی ماتریس تصمیم بر اساس دو رابطه زیر پرداخته می‌شود.

$$\bar{x}_{ij} = \frac{x_{ij}}{\max_i x_{ij}} \quad \text{for beneficial criteria} \quad \text{رابطه ۵}$$

$$\bar{x}_{ij} = \frac{\min_i x_{ij}}{x_{ij}} \quad \text{for non - beneficial criteria} \quad \text{رابطه ۶}$$

در روش WASPAS، یک معیار مشترک از بهینه سازی به دنبال دو معیار بهینه است. اولین معیار بهینه‌سازی، یعنی معیار میانگین موفقیت وزنی، مشابه روش WSM است. این یک رویکرد محبوب و قابل قبول تصمیم‌گیری چند معیاره است که برای ارزیابی تعدادی از گزینه‌ها در رابطه با مجموعه‌ای از معیارهای تصمیم‌گیری مورد استفاده قرار می‌گیرد. بر اساس روش WSM اهمیت نسبی کل آامین گزینه به صورت زیر محاسبه می‌شود.

$$Q_i^1 = \sum_{j=1}^n \bar{x}_{ij} w_j \quad \text{رابطه ۷}$$

که در این رابطه w_j وزن ژامین معیار است.

از طرفی دیگر طبق روش WPM ارزش نسبی کل گزینه‌ها از روش زیر محاسبه می‌شود.

$$Q_i^2 = \prod_{j=1}^n (\bar{x}_{ij})^{w_j} \quad \text{رابطه ۸}$$

سپس یک معیار کلی برای ادغام روش مجموع وزنی (WSM) و محصول وزنی (WPM) به صورت زیر خواهد بود.

$$Q_i = 0.5Q_i^1 + 0.5Q_i^2 = 0.5 \sum_{j=1}^n \bar{x}_{ij} w_j + 0.5 \prod_{j=1}^n (\bar{x}_{ij})^{w_j} \quad \text{رابطه ۹}$$

به منظور افزایش دقت و صحت رتبه‌بندی تصمیم‌گیری فرایند، در روش WASPAS بر اساس مدل بالا، یک مدل کلی تعمیم یافته به صورت زیر تشکیل خواهد شد.

رابطه ۱۰

$$Q_i = \lambda Q_i^1 + (1 - \lambda) Q_i^2 = \lambda \sum_{j=1}^n \bar{x}_{ij} w_j + (1 - \lambda) \prod_{j=1}^n (\bar{x}_{ij})^{w_j} \quad \lambda = 0, 0.1, \dots, 1$$

بر اساس مقادیر مختلف λ شاخص Q_i مقادیر مختلف اختیار می‌کند. اگر $\lambda = 0$ شود مدل واسپاس تبدیل به مدل WPM می‌شود. و اگر $\lambda = 1$ شود مدل واسپاس به مدل WSM تبدیل می‌شود. برای مسائل تصمیم‌گیری مقدار بهینه λ از رابطه زیر محاسبه می‌شود (Zavadskas et al, 2012).

$$\lambda = \frac{\sigma^2(Q_i^2)}{\sigma^2(Q_i^1) + \sigma^2(Q_i^2)} \quad \text{رابطه ۱۱}$$

مقادیر واریانس $\sigma^2(Q_i^1)$ و $\sigma^2(Q_i^2)$ بر اساس روابط زیر محاسبه می‌شود.

$$\sigma^2(Q_i^1) = \sum_{j=1}^n w_j^2 \sigma^2(\bar{x}_{ij}) \quad \text{رابطه ۱۲}$$

$$\sigma^2(Q_i^2) = \sum_{j=1}^n \left(\frac{\prod_{j=1}^n (\bar{x}_{ij})^{w_j} w_j}{(\bar{x}_{ij})^{w_j} (\bar{x}_{ij})^{(1-w_j)}} \right) \sigma^2(\bar{x}_{ij}) \quad \text{رابطه ۱۳}$$

تخمین واریانس مقادیر نرمال معیارها از رابطه زیر محاسبه می‌شود.

$$\sigma^2(\bar{x}_{ij}) = (0.05 \bar{x}_{ij})^2 \quad \text{رابطه ۱۴}$$

بعد از محاسبه مقدار بهینه λ ، آن را در رابطه بالا قرار داده و امتیاز هر گزینه را محاسبه می‌کنیم و سپس بر اساس آن گزینه‌ها را رتبه‌بندی می‌کنیم. در مدل ترکیبی WASPAS تلاش شده است که یک معیار ترکیبی برای تعیین اهمیت نهایی هر گزینه به کار برده شود؛

که در این معیار ترکیبی سهم برابری از WSM و WSP برای ارزیابی نهایی گزینه‌ها داده شود:

۱. تشکیل ماتریس وضع موجود بر اساس شاخص‌های طراحی شده

۲. استاندارد کردن ماتریس وضع موجود بر اساس روش بی‌مقیاس سازی نورم

از آنجایی که در این تحقیق هم شاخص‌های مثبت و هم شاخص‌های منفی وجود دارد از دو فرمول زیر برای استاندارد کردن استفاده شده است.

برای شاخص‌های مثبت از تابع ۱

$$rij = \frac{xij}{\bar{xij}} \rightarrow (\forall j = 1, 2, \dots, n)$$

برای شاخص‌های منفی تابع ۲

$$r_{ij} = \frac{\frac{1}{x_{ij}}}{\sqrt{\sum_{i=1}^m \frac{1}{x_{ij}^2}}} (\forall j = 1, 2, \dots, n)$$

۳. محاسبه وزن هریک از شاخص‌ها بر اساس روش‌های وزن دهی

در این پژوهش از روش آنتروپی شانون استفاده شده است.

۴. برآورد واریانس مقادیر معیارهای استاندارد شده اولیه از طریق تابع (۳)

$$\sigma^2(\bar{x}_{ij}) = (0.05 \bar{x}_{ij})^2$$

تابع (۳)

$$Q^2(Q_i^{(2)}) \text{ و } Q^2(Q_i^{(1)})$$

از طریق توابع (۴، ۵)

$$\sigma^2(Q_i^{(1)}) = \sum_{j=1}^n \bar{x}_{ij} w_j^2 \sigma^2(\bar{x}_{ij})$$

تابع ۴

تابع ۵

$$\sigma^2(Q_i^{(2)}) = \sum_{j=1}^n \left| \frac{\prod_{j=1}^n (\bar{x}_{ij})^{w_j} \times w_j}{(\bar{x}_{ij})^{w_j} (\bar{x}_{ij})^{(1-w_j)}} \right| \sigma^2(\bar{x}_{ij})$$

۵- محاسبه مقدار (λ) و (q) برای رتبه‌بندی گزینه‌ها به صورت توابع (۶، ۷)

$$\lambda = \frac{\sigma^2(Q_i^{(2)})}{\sigma^2(Q_i^{(1)}) + \sigma^2(Q_i^{(2)})}$$

(۶)

$$Q_i = \lambda \sum_{j=1}^n \bar{x}_{ij} w_j + (1 - \lambda) \prod_{j=1}^n (\bar{x}_{ij})^{w_j}, \lambda = 0, \dots, 1$$

(۷)

نوع تحقیق کاربری، روش مورد استفاده توصیفی-تحلیلی و برای گردآوری داده‌ها از روش‌های کتابخانه‌ای و میدانی (پرسش‌نامه و مشاهده) بهره گرفته شده است. جامعه آماری این پژوهش در رابطه با گردشگری روستایی، ۲۱ روستای مقصد گردشگری در سه گروه مردم محلی، گردشگران و کارشناسان در نظر گرفته شده است. گروه اول در رابطه با صاحب‌نظران این حوزه (کارشناسان و متخصصان گردشگری در سازمان میراث فرهنگی، دهیاران) که حدود ۲۶ نفر می‌باشند به صورت تمام شماری مورد بررسی قرار گرفته‌اند. گروه دوم، گردشگرانی در نظر گرفته شده‌اند که از این مناطق دیدن و بازدید می‌کنند و براساس اظهارات دهیاران هر روستا، تعداد گردشگران در بازه زمانی، ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۶، ۲۷۲۰۰۰ برآورد شده است. لذا برای مشخص کردن تعداد پرسش‌نامه گردشگران از فرمول کوکران با خطای ۰/۷ درصد بهره گرفته شد، که در مجموع ۱۹۶ پرسش‌نامه محاسبه و به صورت تصادفی توزیع و پخش گردیده است. براساس سرشماری ۱۳۹۵، جمعیت روستاهای مقصد گردشگری ۴۰۹۶۰ نفر محاسبه شده است که براساس فرمول کوکران و خطای ۰/۷؛ ۱۹۵ پرسش‌نامه بین مردم محلی توزیع گردیده است. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از روش‌های آماری و مدل GIS: WASPAS بهره گرفته شده است. از مدل WASPAS برای رتبه بندی روستاها از لحاظ ابعاد برنامه‌ریزی فضایی و از روش‌های آماری برای بررسی ویژگی‌های توصیفی پاسخ‌گویان و تجزیه و تحلیل شاخص‌ها و از GIS برای توزیع فضایی روستایی استفاده شد. در جدول (۱) ابعاد، مولفه‌ها، متغیرها و شاخص آورده شده است.

جدول ۱. چهارچوب گزینش شاخص‌ها برای تحلیل برنامه‌ریزی فضایی پایدار گردشگری

مردم	گردشگران	کارشناسان	محققان	شاخص	متغیر	مولفه	ابعاد	شاخص			
	*	*	Sarrión-Gavilán et al, 2015:3; Ziaee & Shojai, 2010:95	تنوع جاذبه‌های طبیعی	جاذبه‌های طبیعی	ظرفیت‌های محیط	فضا	شاخص‌های برنامه‌ریزی فضایی گردشگری			
	*	*		تعداد جاذبه‌های طبیعی واجد ارزش							
	*	*		تنوع گونه‌های جانوری							
	*	*		تنوع پوشش‌های گیاهی							
	*	*		تنوع چشمه‌های آب گرم؛ آبشارها؛ تالاب‌ها و دریاچه‌ها							
*	*	*		وجود ارتفاعات و کوه‌های بلند							
	*	*		آب و هوا و اقلیم مناسب							
	*	*	Risteski & et al, 2012: 375-386; Ziaee & Shojai, 2010:95; Ghaffari et al, 2011	تنوع جاذبه‌های تاریخی - فرهنگی	جاذبه‌های تاریخی - فرهنگی	ظرفیت‌های محیط	فضا	شاخص‌های برنامه‌ریزی فضایی گردشگری			
	*	*		تنوع فرهنگی (زبانی، غذایی، لباسی، ...)							
	*	*		تعداد جاذبه‌های تاریخی - فرهنگی ثبت شده در فهرست آثار ملی							
*	*	*		تنوع تعداد صنایع دستی							
	*	*	Ziaee & Shojai, 2010:95	تنوع جاذبه‌های نوع ویژه فرهنگی (فستیوال‌ها، موسیقی‌های محلی جشن‌های محلی)	ظرفیت‌های محیط				فضا	شاخص‌های برنامه‌ریزی فضایی گردشگری	
	*	*	Ziaee & Shojai, 2010:95	امنیت							کیفیت جاذبه‌ها
	*	*		پاکیزگی							
	*	*		چشم‌انداز (کیفیت منظر)							
	*	*		منحصر به فرد جاذبه‌ها							
	*	*		قدمت جاذبه‌ها		ظرفیت‌های محیط	فضا	شاخص‌های برنامه‌ریزی فضایی گردشگری			
	*	*	Risteski & et al, 2012: 375-386, 13.Guedes, & iménez, 2015:107-115; Ziaee & Shojai, 2010:95; Behnam Morshdi et al, 2014	دسترسی به منابع آب							موقعیت استقرار جاذبه‌ها
	*	*		مخاطرات طبیعی							
	*	*		امکان کاربری تفریحی							
	*	*		متوسط فاصله تا جاذبه‌ها							
	*	*		فاصله تا مراکز جمعیتی اصلی							
	*	*		سهولت دسترسی							
	*	*		فاصله تا مرکز شهر							
	*	*		فاصله تا روستا							
	*	*		ایمنی راه ارتباطی به مقصد گردشگری							
	*	*	Lozano-Oyola et al, 2012: 662; Ghaffari et al, 2011	دیدار دوستان و خویشاوندان	گردشگران	ظرفیت‌های محیط	فضا	شاخص‌های برنامه‌ریزی فضایی گردشگری			
	*	*		سفرهای مذهبی و زیارت							
	*	*		حضور در مراسم محلی							
	*	*		بازید از میراث فرهنگی							
	*	*		امکانات درمانی - بهداشتی (داروخانه، مرکز بهداشت)							
	*	*		رفع نیازهای هیجانی و لذت (گذران اوقات فراغت)							
	*	*		رضایت گردشگران از امنیت مقصد							
	*	*									
	*	*	Mukwada, 2013: 3; Risteski et al, 2012: 375-386; Murat & Ayten, 2012: 432	تعاونی‌ها و NGO فعال در زمینه گردشگری	نهادی - سیاسی	ظرفیت‌های محیط	انسان	شاخص‌های برنامه‌ریزی فضایی گردشگری			
	*	*		دفتر میراث فرهنگی و منابع طبیعی							
*	*	*		سایر نهادها فعال در حوزه گردشگری (سپاه، میراث فرهنگی)، مانند ایجاد کمپ							
*	*	*		شبکه‌ها و انجمن‌ها فعال در حیطه گردشگری							
	*	*		توانایی نهاد‌های محلی در ارائه خدمات گردشگری							
*	*	*		مدیریت سازمان میراث فرهنگی و							

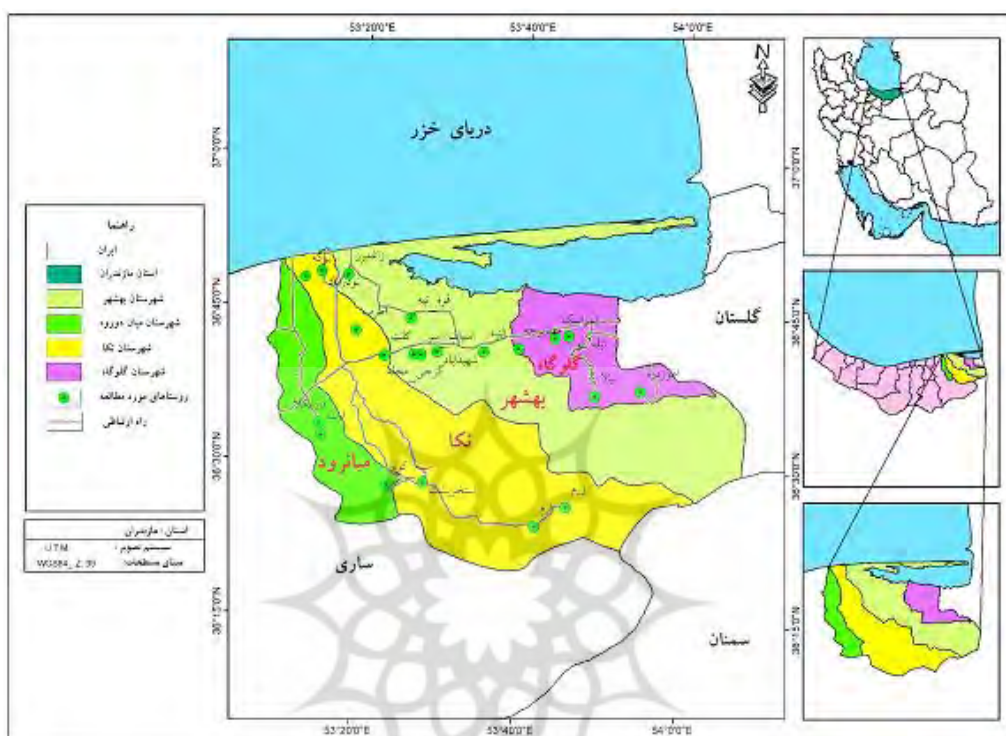
				کیفیت خدمات گردشگری			
	*		Murat & Ayten, 2012: 43	وجود راهنمایان محلی	مشارکت مردم محلی		
*	*		Murat and Ayten, 2012: 43	تلاش برای معرفی روستا به دیگران			
*	*		Mukwada., 2013:3;	مشارکت و کنترل محلی			
*	*			همکاری بین گروهی در فعالیت گردشگری			
*	*			درک، دانش و مهارت‌ها برای تشویق مشارکت			
*			Lozano-Oyola et al, 2012: 662 ; Ghaffari et al., 2011; Risteski & et al, 2012: 375-386	توجه به ارزش‌های فرهنگی و برخورد و رفتار مردم با گردشگران	هنجارهای اجتماعی محلی		
*	*			همکاری مردم با نهادها و سازمان‌ها در مورد ارزش‌های فرهنگی			
*	*			معرفی آداب و رسوم منحصر به فرد روستایی			
*	*			معرفی صنایع دستی روستایی به گردشگران			
*	*			کمک به آموزش و ترویج گردشگری			
*	*			حمایت از پیشرفت ترویج و صدور محصولات فرهنگی			
*	*			Mukwada, 2013:3			
*	*			مهاجرت معکوس به روستا			
	*		Lozano-Oyola & et al, 2012:662; Rahmani, 2009	فاصله از مبدا تا مقصد گردشگران	برد فضایی تا مقصد		
	*						
	*	*	Sarrión-Gavilán et al, 2015: 29-45; Cornelissen, 2014: 163-185. Risteski & et al, 2012: 375 - 386.	وجود پمپ بنزین و گاز	خدمات رفاهی		
	*	*		وجود آب و برق			
	*	*		وجود پارکینگ			
	*	*		وجود شرکت‌های مسافری محلی			
	*	*	Lozano-Oyola et al, 2012:662; Ziaee & Shojai, 2010:95	وجود آتش‌نشانی و پاسگاه	خدمات امنیتی و انتظامی		
	*		Sarrión-Gavilán et al, 29-45; Cornelissen, 2014: 163-185. Risteski & et al, 2012: 375 - 386. 22.	خانه‌های دوم؛ سوئیت، اتاق اجاره‌ای، مهمانسرا، هتل، مسافرخانه‌ها	خدمات اقامتی		
	*			هتل‌ها، رستوران‌ها، فست فودها، نمازگاه‌ها	خدمات پذیرایی		
	*		Lozano-Oyola et al, 2012:662; Ziaee and Shojai, 2010:95	وجود تورگردان گردشگری	خدمات توزیع و اطلاع رسانی		
	*			نقشه‌های راهنما وجود وب سایت‌های اطلاعاتی و مخابراتی			
*	*		Lozano-Oyola et al, 2012:662; Rahmani, 2009	سرمایه‌گذاری افراد بومی و غیر بومی (هتل‌ها، رستوران‌ها، خانه‌های دوم، پارکینگ‌ها)	جذب سرمایه‌گذاری		
*	*			سرمایه‌گذاری‌های دولتی و غیر دولتی (هتل‌ها، رستوران‌ها، خانه‌های دوم، پارکینگ‌ها)			
*	*		Lozano-Oyola et al, 2012:662	درآمدزایی در بخش گردشگری	منابع درآمدی		
*	*			تنوع منابع درآمدی و پس‌انداز			
*	*		Lozano-Oyola et al, 2012:662	کاهش بیکاری	اشتغال-زایی		
*	*			تنوع اشتغال‌زایی			

اقتصادی - کالری

فناوری‌ها

قلمرو جغرافیایی پژوهش

محدوده مورد مطالعه این پژوهش شرق استان مازندران شامل چهار شهرستان (گلوگاه، بهشهر، نکا و میان‌دورود) است که با دارا بودن ویژگی‌های اقلیمی متنوع، تنوع و پوشش‌های گیاهی و وجود سرشاخه‌های متنوع رودخانه‌ای یکی از مناطق جذب گردشگری در کشور ایران محسوب می‌شود که هر ساله پذیرایی زیادی از گردشگران داخلی و خارجی است. شکل (۱) روستاهای مقصد در شهرستان‌های مورد مطالعه را نمایش می‌دهد.



شکل ۱. موقعیت جغرافیایی محدوده مورد مطالعه

یافته‌ها و بحث

بنابراین از کل حجم نمونه‌ها در بین روستاییان در گروه سنی ۱۵ تا ۲۵ سال، ۴/۱ درصد، در گروه سنی ۲۶ تا ۳۵ سال، ۲۴/۶ درصد، در گروه سنی ۳۶ تا ۴۵ سال، ۳۵/۹ درصد، در گروه سنی ۴۶ تا ۵۵ درصد ۳۰/۳ درصد، در گروه سنی ۵۶ تا ۶۵ سال، ۵/۱ درصد قرار داشتند. همچنین از کل حجم نمونه‌ها در بین گردشگران، ۱۷/۹ درصد در گروه سنی ۲۰ تا ۳۰ سال، ۲۴/۴ درصد در گروه ۳۱-۴۰ سال، ۲۶/۶ درصد در گروه سنی ۴۱ تا ۵۰ سال، ۱/۱ درصد در گروه سنی ۵۱ تا ۶۰ سال و ۱/۱ درصد در گروه سنی ۶۱ تا ۷۰ سال قرار داشتند. از کل حجم نمونه در بین کارشناسان ۳۰/۸ درصد در گروه سنی ۳۶ تا ۴۵ سال، ۶۱/۵ درصد در گروه سنی ۴۶ تا ۵۵ سال و ۷/۷ درصد در گروه سنی ۵۶ تا ۶۵ سال قرار دارند. از لحاظ جنسیت از کل حجم نمونه‌ها در بین مردم محلی، ۷۹/۵ درصد پاسخگویان مرد و ۲۰ درصد زنان بودند. که این امر بدلیل جو کاملاً مردانه در روستاها مورد مطالعه و حضور کم‌رنگ زنان در عرصه مشارکت در امر فعالیت‌های روستاها شکل گرفته است. همچنین برای گردشگران، ۵۹/۲ درصد پاسخگویان مرد و ۴۰/۸ درصد زنان و برای کارشناسان ۸۶/۶ درصد مرد و ۱۵/۴ درصد زنان بودند. ارزیابی وضعیت تحصیلات پاسخگویان برای مردم محلی (روستاییان) در ۷ رده بی‌سواد تا کارشناسی ارشد (بی‌سواد، ابتدایی، راهنمایی، دیپلم، فوق دیپلم، کارشناسی و کارشناسی ارشد) صورت گرفته است. نتایج بدست آمده نشان داد که از کل تعداد پاسخگویان در بین مردم محلی، ۲/۶ درصد بی‌سواد، ۶/۷ درصد دارای سواد ابتدایی، ۳/۶ درصد راهنمایی، ۲۰ درصد دیپلم، ۲۳/۶ درصد فوق دیپلم، ۲۱ درصد کارشناسی و ۲۲/۶ درصد کارشناسی ارشد بودند. از کل تعداد پاسخگویان در بین گردشگران، ۱/۱ درصد دارای خوندان و نوشتن، ۱۰/۳ درصد فوق دیپلم، ۲۳/۴ درصد

دیپلم، ۳۳/۲ درصد فوق دیپلم، ۲۶/۶ درصد کارشناسی و ۵/۴ درصد فوق کارشناسی بودند. از کل تعداد پاسخگویان در کارشناسان، ۳۰/۸ درصد فوق دیپلم، ۶۱/۵ درصد کارشناسی و ۷/۷ درصد کارشناسی ارشد بودند. از لحاظ تاهل، از نمونه‌های مردم محلی ۹۰/۳ درصد متاهل و ۹/۷ درصد مجرد بودند. در بین گردشگران مورد مطالعه، ۷۵/۵ درصد متاهل و ۲۴/۵ درصد مجرد بوده است. در بین گروه کارشناسان ۱۰۰ درصد همه آن‌ها متاهل بودند. جدول (۲) نشان می‌دهد برای بررسی شاخص‌ها برنامه‌ریزی فضایی گردشگری در شرق استان مازندران، ۱۸ شاخص در سه گروه مردم محلی، گردشگران و کارشناسان در نظر گرفته شد. لذا برای بررسی موضوع نظرات سه گروه را باهم ادغام کرده و در راستای بهتر بودن کار، آن‌ها را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده شده است. تحلیل داده‌های گردآوری شده از طریق پرسش‌نامه در روستاهای نمونه با استفاده از تحلیل میانگین عددی از دیدگاه پاسخگویان براساس آزمون t تک نمونه‌ای در ۱۰ شاخص (جاذبه‌های طبیعی، کیفیت جاذبه‌ها، گردشگران، نهادی- سیاسی، مشارکت مردمی محلی، هنجارهای اجتماعی محلی، کاهش انگیزه مهاجرت، خدمات اقامتی و خدمات پذیرایی و اشتغال‌زایی) مبین بالابودن شاخص‌های برنامه‌ریزی فضایی گردشگری در محدوده مورد مطالعه می‌باشد. و در ۸ شاخص (جاذبه‌های تاریخی و فرهنگی، موقعیت استقرار جاذبه‌ها، برد فضایی تا مقصد، خدمات رفاهی، خدمات امنیتی و انتظامی، خدمات توزیع و اطلاع رسانی، جذب سرمایه‌گذاری و منابع درآمدی) پایین‌تر بودن شاخص‌های برنامه‌ریزی فضایی را نشان می‌دهد. بنابراین با احتساب دامنه طیفی شاخص‌های اقتصادی که بین ۱ تا ۵ براساس طیف لیکرت در نوسان است، این میزان برای ۱۰ شاخص بالاتر و برای ۸ شاخص پایین‌تر از شرایط مطلوب (۴) ارزیابی شده است و سطح معناداری آن نیز برای تمامی شاخص‌ها کاملاً معنادار به جزء در سه شاخص خدمات اقامتی، خدمات پذیرایی، خدمات توزیع و اطلاع‌رسانی و جذب سرمایه‌گذاری است.

جدول ۲. معناداری تفاوت از حد مطلوب شاخص‌های برنامه‌ریزی فضایی گردشگری روستایی

متغیرها	میانگین	آماره آزمون t	سطح معناداری	تفاوت از حد مطلوب	
				پایین‌تر	بالا‌تر
جاذبه‌های طبیعی	۳/۲۵	۳/۴۳	۰/۰۰۰	۰/۲۵	۰/۴۰
جاذبه‌های تاریخی و فرهنگی	۲/۸۱	-۳/۲۲	۰/۰۰۰	-۰/۱۹	-۰/۰۷
کیفیت جاذبه‌ها	۳/۱۳	۱/۸۰	۰/۰۰۷	۰/۱۳	۰/۲۶
موقعیت استقرار جاذبه‌ها	۲/۲۱	-۱۳/۲۰	۰/۰۰۰	-۰/۷۹	-۰/۶۷
گردشگران	۳/۲۸	۴/۱۸	۰/۰۰۰	۰/۲۸	۰/۴۲
نهادی- سیاسی	۳/۶۶	۷/۴۴	۰/۰۰۰	۰/۶۶	۰/۸۳
مشارکت مردمی محلی	۳/۶۹	۱۱/۳۱	۰/۰۰۰	۰/۶۹	۰/۸۱
هنجارهای اجتماعی محلی	۳/۲۳	۳/۵۰	۰/۰۰۰	۰/۲۳	۰/۳۷
کاهش انگیزه مهاجرت	۳/۲۸	۳/۹۶	۰/۰۰۰	۰/۲۸	۰/۴۱
برد فضایی تا مقصد	۲/۱۷	-۱۳/۷۹	۰/۰۰۰	-۰/۸۳	-۰/۷۱
خدمات رفاهی	۲/۶۶	-۴/۸۸	۰/۰۰۰	-۰/۳۴	-۰/۲۰
خدمات امنیتی و انتظامی	۲/۷۳	-۴/۱۲	۰/۰۰۰	-۰/۲۷	-۰/۱۴
خدمات اقامتی	۳/۰۱	۰/۱۴	۰/۸۹	۰/۰۱	۰/۱۰
خدمات پذیرایی	۳/۰۶	۰/۹۳	۰/۳۵	۰/۰۶	۰/۱۸
خدمات توزیع و اطلاع رسانی	۲/۹۸	-۰/۳۳	۰/۷۴	-۰/۰۲	۰/۱۰
جذب سرمایه‌گذاری	۲/۸۹	-۱/۵۸	۰/۱۲	-۰/۱۱	۰/۰۳
منابع درآمدی	۲/۸۶	-۱/۹۹	۰/۰۵	-۰/۱۴	۰/۰۰
اشتغال‌زایی	۳/۶۰	۱۲/۷۱	۰/۰۰۰	۰/۶۰	۰/۶۹

یافته‌های جدول (۳)، ابعاد مرتبط با برنامه‌ریزی فضایی گردشگری روستایی را در مورد محدوده مطالعه نشان می‌دهد. بررسی و تحلیل ابعاد برنامه‌ریزی فضا که شامل (فضا، انسان و فعالیت) است وضعیت ابعاد را نشان می‌دهد. لذا برای دو بعد (فضا و فعالیت) میانگین بالاتر و برای بعد (انسان) پایین‌تر از مبانی (۳) ارزیابی شد و این را نشان می‌دهد که دو بعد فضا و فعالیت در منطقه مورد مطالعه در سطح بسیاری خوبی از لحاظ ابعاد برنامه‌ریزی فضایی برخوردار است. همچنین سطح معناداری آن نیز برای سه بعد مورد نظر کاملاً معنادار ارزیابی شده است.

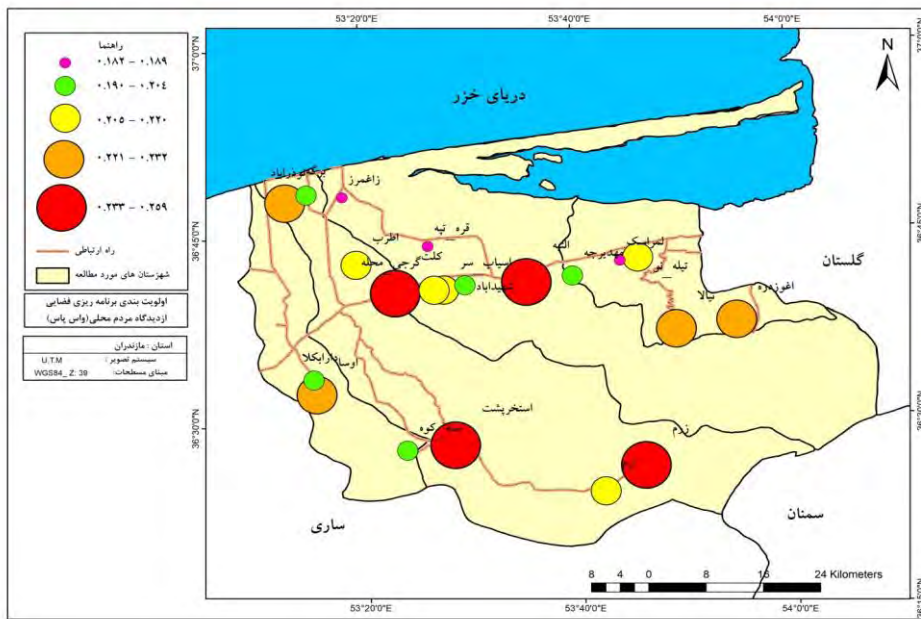
جدول ۳. معناداری تفاوت از حد مطلوب ابعاد برنامه‌ریزی فضایی گردشگری روستایی

متغیرها	میانگین	آماره آزمون t	سطح معناداری	تفاوت از حد مطلوب	
				پایین تر	بالا تر
فضا	۳/۶۹	۱۱/۳۱۴	۰/۰۰۰	۰/۶۹۲	۰/۸۱۳
انسان	۲/۷۰	۵/۸۳۷	۰/۰۰۰	۰/۲۹۸	۰/۱۹۷
فعالیت	۳/۰۵	۳/۹۴۰	۰/۰۴۸	۰/۱۵۲	۰/۱۶۱

برای بررسی وضعیت مناطق روستایی از لحاظ ابعاد برنامه‌ریزی فضایی گردشگری به سطح بندی آن‌ها پرداخته شد. بدین منظور ۲۱ روستای دارای جاذبه گردشگری در شرق استان مازندران نیز انتخاب و روش اولویت‌بندی WASPAS در آن به مرحله اجرا درآمد. همچنین در راستای سوال مطرح شده و روش شناسی انتخاب شده برای شناسایی جاذبه‌ها و برنامه‌ریزی فضایی دقیق در این مناطق ابعاد و شاخص ذکر شده در جدول (۱) به عنوان معیار اصلی اندازه‌گیری اولویت‌بندی ابعاد (فضا، انسان و فعالیت) برنامه ریزی فضایی گردشگری در شرق مازندران استفاده شد. این شاخص‌ها در سه بعد (انسان، فضا و فعالیت) تقسیم بندی شد و تلاش شد شاخص‌های مورد توجه قرار گیرد که در جذب گردشگر به مناطق روستایی بسیار موثر و از تنوع برخوردار باشند. لذا در جدول (۲) روستاها را از لحاظ ابعاد برنامه‌ریزی فضایی و نظرات مردم محلی مورد بررسی قرار داده‌ایم. یافته‌های این مدل نشان داد که از لحاظ بعد برنامه‌ریزی فضایی گردشگری، روستاهای التپه (عباس‌آباد)، زروم و کلت هر کدام به ترتیب با Qi برابر با ۰/۰۲۴۷/۲۵۹ و ۰/۰۲۴۲ و می‌باشد که رتبه‌های یک تا سه را به خود اختصاص دادند و کمترین رتبه مربوط به روستاهای زاغمرز، لمراسک و قره تپه هر کدام با ترتیب با Qi برابر با ۰/۱۸۵/۱۸۲، ۰/۰۱۸۹ و ۰/۱۸۹ می‌باشد.

جدول ۴. میانگین روستاها در ابعاد برنامه‌ریزی فضایی گردشگری از دیدگاه مردم محلی

رتبه	برنامه‌ریزی فضایی					روستاها
	Qi	λ	فعالیت	انسان	فضا	
۱	۰/۲۵۹	۰/۷۹	۳/۹	۳/۲۸	۴/۰۶	التپه (عباس‌آباد)
۱۹	۰/۱۸۹	۰/۸۲۶	۳/۹۹	۲/۵۸	۲/۵۷	قره تپه
۲۱	۰/۱۸۲	۰/۸۳۹	۲/۱۶	۲/۲۲	۳/۹۹	زاغمرز
۱۸	۰/۱۹۴	۰/۸۳۴	۲/۵۹	۲/۱۵	۴/۲۹	شهیدآباد
۱۱	۰/۲۱۵	۰/۸۲۳	۳/۳۷	۲/۳۲	۴/۱۶	آسیاب سر
۱۳	۰/۲۱۱	۰/۸۱۰	۲/۸۸	۳/۰۱	۳/۱۲	گرچی مجله
۲	۰/۲۴۷	۰/۸۰۲	۳/۴۶	۳/۱۲	۴/۳۹	زروم
۱۲	۰/۲۱۲	۰/۸۱۰	۲/۵۹	۳/۰۳	۳/۵۷	ارم
۳	۰/۲۴۲	۰/۸۰۲	۳/۶۱	۳/۰۹	۳/۹۱	کلت
۱۷	۰/۲۰۰	۰/۸۳۷	۲/۴۱	۲/۵۶	۴/۱۱	نوزآباد
۴	۰/۲۴۲	۰/۷۸۸	۳/۴۳	۳/۴۲	۳/۴۸	استخریشت
۹	۰/۲۲۰	۰/۸۰۱	۳/۱۷	۳/۱۲	۳/۰۸	اطرب
۵	۰/۲۲۲	۰/۸۱۳	۳/۲۳	۲/۹۱	۴/۱۶	آغوزدره
۱۰	۰/۲۱۶	۰/۸۱۴	۲/۹۴	۲/۹۷	۳/۴۶	تپله نو
۷	۰/۲۲۶	۰/۸۱۸	۳/۲۹	۲/۷۲	۴/۱۱	نیالا
۲۰	۰/۱۸۵	۰/۸۳۹	۲/۹۶	۱/۸۷	۳/۷۹	لمراسک
۱۵	۰/۲۰۳	۰/۸۳۲	۳/۱۲	۲/۲۶	۳/۸۶	مهدیرجه
۱۴	۰/۲۰۴	۰/۸۳۰	۳/۲۸	۲/۲۵	۳/۷۳	سنه کوه
۶	۰/۲۲۸	۰/۸۱۴	۳/۶۱	۲/۶۲	۴/۰۰	برگه
۱۶	۰/۲۰۲	۰/۸۲۹	۲/۹۵	۲/۶۲	۳/۲۵	دارابکلا
۸	۰/۲۲۴	۰/۸۰۴	۳/۰۷	۳/۱۴	۳/۴۲	اوسا

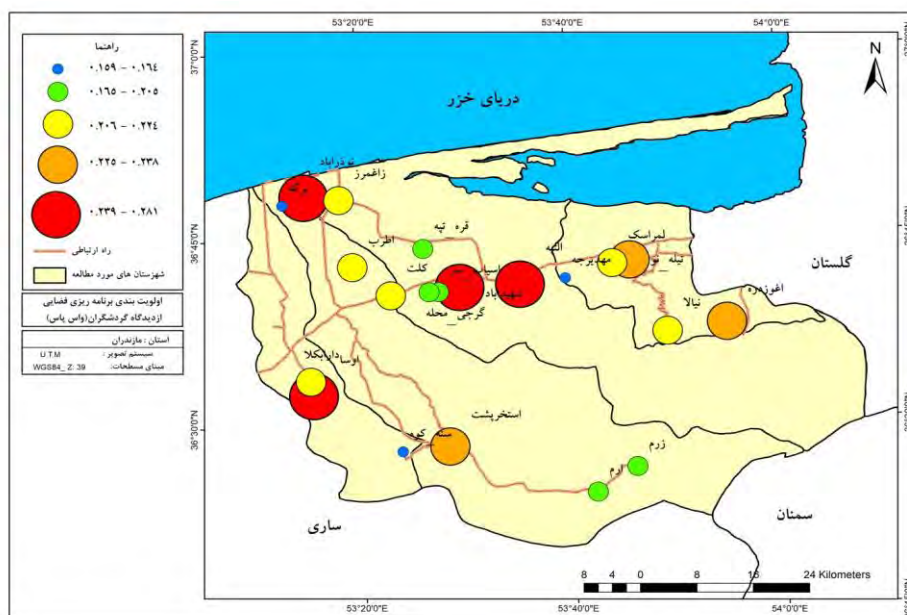


شکل ۱. رتبه‌بندی روستاها از لحاظ ابعاد برنامه‌ریزی فضایی از دیدگاه مردم محلی

در جدول (۵) میانگین روستاها را از لحاظ ابعاد برنامه‌ریزی فضایی از دیدگاه گردشگران مورد بررسی قرار داده شده است. یافته‌های این مدل نشان داد که از لحاظ بعد برنامه‌ریزی فضایی روستاهای التپه (عباس‌آباد)، شهیدآباد و اوسا هر کدام به ترتیب با Q_i برابر با $۰/۲۸۱$ ، $۰/۲۶۴$ و $۰/۲۵۳$ می‌باشد که رتبه‌های یک تا سه را به خود اختصاص دادند و کمترین رتبه مربوط به روستاهای مهدیرجه، سنه کوه و برگه هر کدام با ترتیب با Q_i برابر با $۰/۱۵۹$ ، $۰/۱۶۰$ و $۰/۱۶۴$ می‌باشد.

جدول ۵. میانگین شاخص‌های ابعاد برنامه‌ریزی فضایی گردشگری

برنامه ریزی فضایی						روستاها
رتبه	Q_i	λ	فعالیت	انسان	فضا	
۹	-۰/۲۱۸	-۰/۸۱۹	۲/۸۸	۲/۶۱	۳/۶۹	زاغمرز
۱۴	-۰/۲۰۵	-۰/۸۳۳	۲/۸۲	۲/۴۲	۳/۸۲	زروم
۱۳	-۰/۲۱۰	-۰/۸۲۸	۲/۹۶	۲/۴۹	۳/۵۰	لمراسک
۱	-۰/۲۸۱	-۰/۷۶۷	۳/۶۴	۳/۴۵	۳/۸۷	التپه (عباس‌آباد)
۸	-۰/۲۲۴	-۰/۸۱۱	۲/۹۵	۲/۷۱	۳/۴۳	دارابکلا
۱۵	-۰/۲۰۳	-۰/۸۳۱	۲/۷۰	۲/۴۲	۳/۵۳	آسیاب سر
۵	-۰/۲۳۸	-۰/۷۸۹	۲/۸۴	۲/۹۶	۳/۳۸	استخرنشت
۱۰	-۰/۲۱۶	-۰/۸۲۷	۳/۱۷	۲/۵۳	۳/۶۴	نیالا
۳	-۰/۲۱۶	-۰/۷۸۶	۳/۵۳	۳/۰۹	۳/۱۰	نوذرآباد
۴	-۰/۲۵۲	-۰/۷۹۱	۳/۳۹	۳/۰۶	۳/۶۷	شهید آباد
۲۱	-۰/۱۵۹	-۰/۸۷۸	۲/۶۵	۱/۷۶	۳/۲۶	مهدیرجه
۱۶	-۰/۱۹۹	-۰/۸۴۵	۲/۹۷	۲/۲۸	۳/۹۹	ارم
۱۸	-۰/۱۸۹	-۰/۸۴۹	۲/۸۶	۲/۱۹	۳/۳۴	قره تپه
۱۷	-۰/۱۹۰	-۰/۸۵۳	۳/۰۳	۲/۱۶	۳/۶۲	گرچی مجله
۱۱	-۰/۲۱۴	-۰/۸۲۵	۳/۱۱	۲/۵۴	۳/۳۵	کلت
۱۲	-۰/۲۱۲	-۰/۸۱۷	۲/۶۸	۲/۵۸	۳/۳۵	اطراب
۱۹	-۰/۱۶۴	-۰/۸۸۱	۳/۱۲	۱/۷۴	۳/۶۵	برگه
۲۰	-۰/۱۶۰	-۰/۸۸۳	۲/۹۲	۱/۷۰	۳/۵۱	سنه کوه
۲	-۰/۲۶۴	-۰/۷۷۰	۳/۱۴	۳/۲۹	۳/۶۰	اوسا
۷	-۰/۲۳۴	-۰/۸۱۰	۳/۳۹	۲/۷۸	۳/۵۲	آغوز دره
۶	-۰/۲۳۵	-۰/۸۰۱	۳/۱۴	۲/۸۶	۳/۳۹	تیله نو

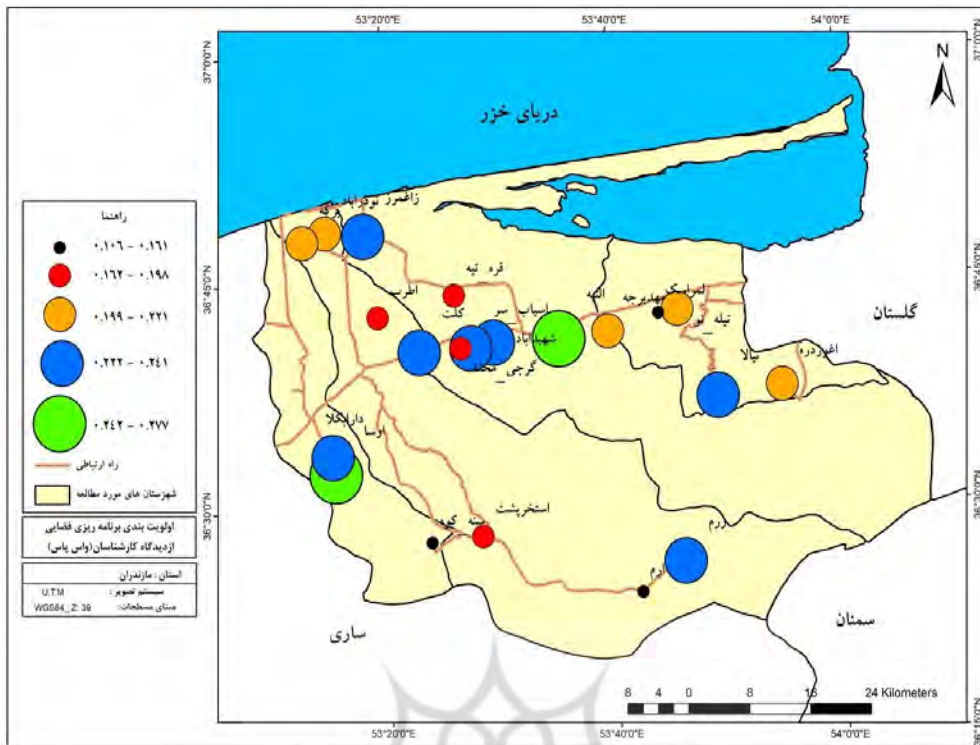


شکل ۲. رتبه‌بندی روستاها از لحاظ ابعاد برنامه‌ریزی فضایی از دیدگاه گردشگران

در جدول (۶) میانگین روستاها را از لحاظ ابعاد برنامه‌ریزی فضایی از دیدگاه کارشناسان مورد بررسی قرار داده شده است. یافته‌های این مدل نشان داد که از لحاظ بعد برنامه‌ریزی فضایی روستاهای التپه (عباس‌آباد) اوسا، شهیدآباد هر کدام به ترتیب با Q_i برابر با $۰/۲۷۷$ ، $۰/۲۶۴$ و $۰/۲۴۱$ می‌باشد که رتبه‌های ۱ تا ۳ را به خود اختصاص دادند و کمترین رتبه مربوط به روستاهای لمراسک، سنه‌کوه و ارم هر کدام با ترتیب با Q_i برابر با $۰/۱۰۶$ ، $۰/۱۴۵$ و $۰/۱۶۱$ می‌باشد.

جدول ۶. میانگین روستاها ابعاد برنامه‌ریزی فضایی از دیدگاه کارشناسان

برنامه‌ریزی فضایی						روستاها
رتبه	Q_i	λ	فعالیت	انسان	فضا	
۱۷	-۰/۱۹۶	-۰/۸۴۹	۳/۷۴	۳/۰۳	۳/۰۰	گرچی محله
۱۵	-۰/۱۹۸	-۰/۸۵۲	۳/۲۸	۳/۷۸	۳/۰۰	اطراب
۱۳	-۰/۲۱۵	-۰/۸۰۲	۲/۶۲	۳/۱۹	۴/۰۰	آغوز دره
۱۶	-۰/۱۹۶	-۰/۸۵۰	۲/۹۹	۴/۰۳	۳/۰۰	استخریشت
۱۹	-۰/۱۶۱	-۰/۸۳۹	۱/۶۷	۲/۸۳	۳/۰۰	ارم
۶	-۰/۲۳۵	-۰/۸۱۴	۳/۶۳	۳/۶۱	۴/۰۰	نیلا
۱۱	-۰/۲۱۹	-۰/۸۰۵	۳/۲۹	۲/۶۹	۴/۰۰	مهدیرجه
۲۱	-۰/۱۰۶	-۰/۸۳۴	۳/۳۳	۲/۰۰	۱/۰۰	لمراسک
۱	-۰/۲۷۷	-۰/۷۷۱	۳/۹۷	۳/۸۳	۵/۰۰	التپه (عباس‌آباد)
۵	-۰/۲۳۷	-۰/۸۱۲	۳/۹۷	۳/۳۱	۴/۰۰	آسیاب سر
۱۰	-۰/۲۲۱	-۰/۸۰۸	۲/۹۷	۳/۲۸	۴/۰۰	تپله نو
۲	-۰/۲۶۴	-۰/۷۶۲	۳/۴۸	۳/۴۲	۵/۰۰	اوسا
۳	-۰/۲۴۱	-۰/۸۱۴	۳/۹۸	۳/۶۱	۴/۰۰	شهید آباد
۷	-۰/۲۲۹	-۰/۸۱۲	۳/۳۳	۳/۴۲	۴/۰۰	زاعمرز
۴	-۰/۲۳۹	-۰/۷۲۹	۲/۵۴	۲/۶۱	۵/۰۰	زرور
۸	-۰/۲۲۸	-۰/۸۱۲	۳/۲۴	۳/۵۳	۴/۰۰	دارایکلا
۱۴	-۰/۲۱۳	-۰/۸۰۲	۲/۸۲	۲/۸۳	۴/۰۰	برگه
۲۰	-۰/۱۴۵	-۰/۸۸۶	۲/۸۵	۲/۸۱	۲/۰۰	سنه کوه
۱۸	-۰/۱۹۶	-۰/۸۴۹	۳/۷۴	۳/۰۳	۳/۰۰	قره تپه
۹	-۰/۲۲۸	-۰/۸۱۲	۳/۲۴	۳/۵۲	۴/۰۰	کلت
۱۲	-۰/۲۱۹	-۰/۸۰۵	۳/۲۹	۲/۶۹	۴/۰۰	نوزآباد



شکل ۳. رتبه‌بندی روستاهای از لحاظ ابعاد برنامه‌ریزی فضایی از دیدگاه کارشناسان

اولویت‌بندی روستاهای مورد مطالعه از لحاظ توزیع فضایی

در این گام لازم بود اولویت‌بندی روستاهای منطقه مورد مطالعه در زمینه ابعاد برنامه‌ریزی فضایی گردشگری به صورت کلی مطرح شد، برای این منظور از گروه‌های مردم محلی (روستاییان) و گردشگران و کارشناسان از میانگین‌های بدست آمده برای هر یک از ابعاد استفاده شده است. همچنین برای به دست آوردن وزن‌ها از انتروپی شانون برای هر کدام از ابعاد استفاده گردید. در نتیجه وزن‌ها مستقیم برای هر یک از ابعاد در گروه مردم محلی، گردشگران و کارشناسان به دست آمده و ملاک وزن دهی ابعاد برای اولویت بندی روستایی مورد مطالعه قرار گرفتند.

جدول ۷. وزن ابعاد برنامه‌ریزی فضایی با استفاده از انتروپی شانون

برنامه‌ریزی فضایی			شرح
فعالیت	انسان	فضا	ابعاد
۰/۳۱۴	۰/۲۷۵	۰/۴۱۰	وزن‌ها

نتایج به دست آمده از محاسبه تکنیک WASPAS نشان داد که بالاتر رتبه در بین مردم محلی، گردشگران و کارشناسان متعلق به روستایی التپه (عباس‌آباد) با Qi برابر با ۰/۸۵۶ می‌باشد و در رتبه دوم روستای شهیدآباد با Qi برابر با ۰/۱۲۹ و در رتبه سوم روستای نیلا با Qi برابر با ۰/۱۲۶ می‌باشد. روستاهای تپله نو با Qi برابر با ۰/۱۰۱، روستای اطراب با Qi برابر با ۰/۱۰۳ و لمراسک با Qi برابر با ۰/۱۰۵ در رتبه‌های آخر قرار دارند.

جدول ۸. محاسبه λ و Q_i و رتبه روستاها از لحاظ ابعاد فضایی

روستاها		برنامه ریزی فضایی	
رتبه	Q_i	λ	محاسبه λ و Q_i
۱۱	-/۱۱۵	۰/۸۹۶	دارابکلا
۲۱	-/۱۰۱	۰/۹۰۵	تیله نو
۱۹	-/۱۰۵	۰/۹۰۶	لمراسک
۶	-/۱۲۱	۰/۸۹۲	زاغمرز
۱	-/۸۵۶	۰/۵۳۴	التپه
۲	-/۱۲۹	۰/۸۸۸	شهید آباد
۱۵	-/۱۱۲	۰/۹۰۰	گرچی محله
۳	-/۱۲۶	۰/۸۸۹	نیالا
۱۲	-/۱۱۵	۰/۸۹۶	نوزآباد
۱۸	-/۱۰۶	۰/۸۹۹	آسیاب سر
۱۴	-/۱۱۳	۰/۸۹۹	مهدیرجه
۴	-/۱۲۵	۰/۸۹۰	اوسا
۵	-/۱۲۲	۰/۸۹۲	استخریشت
۸	-/۱۱۶	۰/۸۹۶	اغوز دره
۹	-/۱۱۶	۰/۸۹۶	کلت
۲۰	-/۱۰۳	۰/۹۰۳	اطراب
۷	-/۱۱۸	۰/۸۹۵	برگه
۱۳	-/۱۱۵	۰/۸۹۸	سنه کو
۱۷	-/۱۰۸	۰/۹۰۳	ارم
۱۶	-/۱۰۹	۰/۹۰۳	قره تپه
۱۰	-/۱۱۶	۰/۸۹۸	زروم

با عنایت به آنچه مورد بررسی قرار گرفته شد، در مجموع می‌توان بیان کرد که روستاهایی که دارای دسترسی به آب رودخانه و دریاچه‌ای هستند از روستاهای پایلوت گردشگری قرار دارند و رتبه‌های اول را به خود اختصاص دادند که می‌توان تمامی روستاها را در سه سطح ضعیف، متوسط، خوب قرار داد که هفت روستای اول جز رده خوب و رتبه‌های اول را به خود اختصاص دادند روستاهای رده دوم، در سطح متوسط قرار دارند که شامل ۷ روستای میانه می‌باشد و رده سوم، روستای آخر هستند که در سطح ضعیف قرار دارند. از دلایل که می‌توان برای روستاهای رتبه اول بیان کرد؛ عبارتند از: دسترسی به نزدیکی مراکز شهری، وجود امکانات و خدمات رفاهی (خانه‌های دوم؛ سوئیت، اتاق اجاره‌ای، مهمانسرا، هتل، مسافرخانه‌ها) و تفریحی (شهر بازی، هتل‌ها، رستوران‌ها، فست‌فودها، مغازه‌ها)، نزدیکی به مراکز جمعیتی اصلی و ... اشاره کرد. روستاهای که رده دوم، که رتبه دوم را به خود اختصاص دادند وضعیت موجود در این مناطق نشان می‌دهد که نسبت به روستاهای رده اول در سطح پایینی‌تری قرار دارند و به علت فقدان سرمایه گذاری در این روستاها، ضعیف بودن امکانات و خدماتی و ... سبب شده است که رتبه دوم را به خود اختصاص دهند. روستاهای رده سوم، که شامل ۷ روستای آخر می‌باشد به دلایل انزوی جغرافیایی، فاصله زیاد نسبت به مراکز اصلی شهر، نبوده امکانات و خدمات رفاهی و تفریحی و عدم توجه مسئولین و ارکان‌های دولتی باعث شده است که در جایگاه سوم قرار بگیرند.

نتیجه‌گیری

نکته راهبردی که در دهه‌های اخیر بخصوص در کشورهای درحال توسعه و توسعه نیافته مورد توجه قرار گرفته است، شکل‌گیری و گسترش توسعه گردشگری است که به شدت مورد توجه محققان و برنامه‌ریزان قرار گرفته است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که توسعه گردشگری و برنامه‌ریزی فضایی به دلیل داشتن هدف مشترک، نوعی تلاقی فلسفی برای مفهوم برنامه‌ریزی به عنوان عمل سازماندهی زندگی آینده جوامع با مقررات و طراحی روابط اجتماعی، اقتصادی در آینده و دقت در استفاده از فضای فیزیکی به

منظور رسیدن انسان به رفاه بدون تخریب محیط محسوب می‌شوند. به عبارتی هدف آن‌ها شناخت طرح‌های توسعه فضایی از جمله گردشگری در مراحل مختلف برنامه‌ریزی، طراحی و مدیریت مبتنی بر سه اصل اجرا، پیش و ارزیابی و نیز بر اصول پایداری، یکپارچگی و جامعیت است. اولین گام در این راه تبیین وضع موجود و تحلیل وضعیت پتانسیل‌های سکونتگاه‌های روستایی در گروه مردم محلی، گردشگران، نهاد دولتی است که باید در فرایند برنامه‌ریزی فضایی مشارکت داشته باشند، زیرا دست یابی به توسعه اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی مناطق روستایی، نیازمند شناخت و درک درست از منابع و فرصت‌های گردشگری موجود برای بهره‌برداری از آن‌ها است. با بررسی وضع موجود گردشگری مناطق روستایی، می‌توان این‌ها را از طریق شناسایی نقاط قوت و ضعف مناطق و همچنین فرصت‌ها و تهدیدهای بیرونی فراروی توسعه مناطق روستایی به دست دهد. در این راستا تبیین سطح مناطق گردشگری روستایی از لحاظ ابعاد (فضا، انسان و فعالیت) به عنوان مهمترین مولفه‌های توسعه گردشگری، از نقش و جایگاه ویژه‌ای در برنامه‌ریزی فضایی برخوردار است.

به این ترتیب، تاکید بر ابعاد برنامه‌ریزی فضایی و نقش و جایگاه آن‌ها را در فرایند برنامه‌ریزی توسعه روستایی بیش از گذشته مورد توجه قرار می‌دهد. نتایج حاصل از مطالعات میدانی در سطح مناطق روستایی در شرق استان مازندران نشان داد که براساس آزمون آماری t تک نمونه‌ای در ۱۰ شاخص مبین بالابودن و در ۸ شاخص دیگر مبین پایین بودن شاخص‌های برنامه‌ریزی فضایی گردشگری در محدوده مورد مطالعه می‌باشد. و سطح معناداری آن نیز برای تمامی شاخص‌ها کاملاً معنادار به جزء در سه شاخص خدمات اقامتی، خدمات پذیرایی، خدمات توزیع و اطلاع‌رسانی و جذب سرمایه‌گذاری است. لذا یافته‌های تحلیل نشان دهنده موقعیت خوب شاخص‌های برنامه‌ریزی فضایی گردشگری روستایی روستاهای شرق استان مازندران است. یافته‌های مدل WASPAS که حاصل مطالعات میدانی و نیز مشاهده عینی و استفاده از نظرات سه گروه (مردم محلی، گردشگران و کارشناسان) است نشان داد که بالاتر رتبه در بین مردم محلی و گردشگران و کارشناسان متعلق به روستای التپه (عباس‌آباد) با Qi برابر با ۰/۸۵۶ می‌باشد و در رتبه دوم روستای شهیدآباد با Qi برابر با ۰/۱۲۹ و در رتبه سوم روستای نیلا با Qi برابر با ۰/۱۲۶ می‌باشد. روستاهای تپله نو با Qi برابر با ۰/۱۰۱، روستای اطراب با Qi برابر با ۰/۱۰۳ و لمراسک با Qi برابر با ۰/۱۰۵ در رتبه‌های آخر قرار دارند. به این ترتیب می‌توان از شاخص‌ها و گویه‌های طراحی شده به عنوان سنجش و ارزیابی سایر مناطق روستایی کشور در جهت برنامه‌ریزی فضایی گردشگری روستاییان استفاده کرد.

References

- Burchakani, P. (2014). Landscape Design and Tourism Management. *Journal of Landscape*, 29, 33-39. (In Persian)
- Morshedi, B., Faraji Solebar, H.A., Rezvani, M. R., & Mohammadian, Z. (2016). Spatial planning of tourism services (case study: Fars Province). *Human Geography Research*, 48(2), 277-295. (In Persian)
- Rahmani, M. (2010). Land Expansion and Sustainable Rural Development with Tourism Approach. *Population Quarterly*, 61(53), 81-89. (In Persian)
- Roumiani, A., (2013). Evaluation of the Role of Urban and Rural Capital Investments in Sustainable Tourism Development, A Case Study: Hesar Valiasr Village, Boine Zahir Town, Master's Degree in Geography and Rural Planning, University of Zanjan.
- Sheikhi, M., & Shojaei, M. (2012). Technical cluster analysis for implementation of spatial justice in tourism planning, Case study: Mazandaran province. *Journal of Tourism Studies*, 1(3), 46-65.
- Ziaee, M., & Shojaei, M. (2010). Level of Tourism Destinations, New Conceptual Analysis in Spatial Tourism Planning. *Tourism Management Studies*, 5(13), 25-46. (In Persian)
- Ghafari, S. R., Moradi, M., & Nikbakht, D. (2011). Leveling and planning of rural tourism spaces in the central part of Boyer Ahmad city. *Urban and Regional Studies and Research*, 3(11), 97-118. (In Persian)

- Ghodami, M., Aliqelizadeh Firouzjaei, N., & Ramezanzadeh Lesbouy, M. (2010). Investigating the Role of Tourism in Changing the Quality of Life of Destination (Case Study: Clarabad Village, Tonekabon County). *Journal of Social Studies*, 4(3), 152-181. (In Persian)
- Malek, M., & Kalantari, M. (2014). Spatial Analysis and Leveling of Tourism Attractions and Communication Infrastructure and Road Network in Desert Regions of Iran, Case Study: Khor and Biabanak. *Geographical Survey of Arid Regions*, 17, 53-70. (In Persian)
- Nazarian, A., Moshiri, S. R., & Akhajani, H. (2006). feasibility study on the development of tourism industry in Ardabil city. *Quarterly Journal of Geographic Outlook*, 1(3), 103-117. (In Persian)
- Guedes, A. S., & Jiménez, M. I. M. (2015). Spatial patterns of cultural tourism in Portugal. *Tourism Management Perspectives*, 16, 107-115. (In Persian)
- Murat D, O., & Ayten, A. M. (2012). The role of spatial planning for sustainable tourism development: A theoretical model for Turkey, Ebsco host Connection. *Academic Journal Original Scientific Paper Tourism*, (13327461), 60(4), 431-455.
- Cornelissen, S. (2014). Tourism impact, distribution and development: The spatial structure of tourism in the Western Cape province of South Africa. *Development Southern Africa*, 22(2), 163-185.
- Cravo, P. M., & Bailoa, S. (2012). *Spatial Planning and Tourism Development in Portugal.*, All content following this page was uploaded by Pedro Manuel Cravo on 29 September, <https://www.researchgate.net/publication/233854506>
- Sarrión-Gavilán, M. D., Benítez-Márquez, M. D., & Mora-Rangel, E. O. (2015). Spatial distribution of tourism supply in Andalusia. *Tourism Management Perspectives*, 15, 29-45.
- Dredge, D., & Moore, S. (1992). A Methodolgy for the Integration of Tourism in Town Planning. *The Journal of Tourism Studies*, 3(1), 8-21.
- Lozano-Oyola, M., Blancas, F. J., González, M., & Caballero, R. (2012). Sustainable tourism indicators as planning tools in cultural destinations. *Ecological Indicators*, 18, 659-675.
- Risteski, M., Kocevski, J., & Arnaudov, K. (2012). Spatial Planning and Sustainable Tourism as Basis for Developing Competitive Tourist Destinations. *Procedia – Social and Behavioral Sciences*, 44, 375-386.
- Stojavljević, R. (2013). Spatial Planning and Sustainable Tourism - A Case Study of Golija Mountain (Serbia). *European Researcher*, 65, 2-12.
- United Nations. (2006). *World Urbanization Prospects: The 2005 Revision*. United Nations, New York.
- Yang, Y., & Fik, Y. (2014). Spatial effects in regional tourism growth, *Annals of Tourism Research*. Contents lists available at ScienceDirect, ELSVIER, *Annals of Tourism Research* 46 (2014) 144–162. journal homepage: www.elsevier.com/locate/atoures.
- Mukwada, G., & Manatsa, D. (2013). Geospatial and temporal analysis of drought years in Zimbabwe–1940to1999. *Geographical Polonica*. In Press. doi.org./10.7163/GPol.2012. 4.23.

How to cite this article:

Romiani, A., Shayan, H., Sojasi Qeidari, H., & Rezvani, M.R. (2020). Analysis of the situation of rural areas based on the spatial planning of tourism (Case Study: East of Mazandaran Province). *Journal of Studies of Human Settlements Planning*, 15(3), 725-744.

http://jshsp.iaurasht.ac.ir/article_672816.html

Analysis of the situation of rural areas based on the spatial planning of tourism (Case Study: East of Mazandaran Province)

Ahmad Roumiani

PhD in Dep. of Geography, Faculty of Letters and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Hamid Shayan *

Professor, Dep. of Geography, Faculty of Letters and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Hamdollah Sojasi Qeidari

Assistant Professor, Dep. of Geography, Faculty of Letters and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Mohammad Reza Rezvani

Professor, Dep. of Geography & Rural Planning, Faculty of Geography, University of Tehran, Iran

Received: 27 December 2018

Accepted: 28 August 2019

EXTENDED ABSTRACT

Introduction

Tourism planning is one of the approaches that has been effective in various dimensions of economic, social, cultural, environmental and political tourism in recent decades, and, like a system, dominates the tourism spaces of a region and provides grounds for Wise management of space, human beings and activity. Its importance is so much that rural planners, managers and sociologists in countries like Turkey, Serbia and Portugal have been able to develop the field of tourism destinations in rural areas.

Methodology

The research method was descriptive-analytic and used for collecting data using library and field methods (questionnaire and observation). The statistical population of this research is in relation to rural tourism, 21 villages of tourism destination are considered in three groups of locals, tourists and experts. The first group has been surveyed in total regarding the owners of this field (experts and tourism specialists at the Cultural Heritage Organization, Dehairan), which is about 26 people. The second group is considered by tourists to visit and visit these areas. According to the villagers of each village, the number of tourists in the period of 1395-1139 was 272000. So, to determine the number of tourist's questionnaire, Cochran formula with error of 0.7% was used. In total, 196 questionnaires were computed and distributed randomly. According to the census of 1395, the population of villages of tourism destinations is 40,960 people, calculated according to the Kokwan formula and error 07.07; 195 questionnaires distributed among the local population. For data analysis, statistical methods and WASPAS; GIS model have been used. The WASPAS model was used to rank the villages in terms of spatial planning dimensions and statistical methods to examine the descriptive characteristics of respondents and to analyze indices and to use GIS for rural spatial distribution.

* Corresponding Author:

Email: shayan34@ferdowsium.ac.ir

Result and Discussion

The strategic point that has been highlighted in recent decades, especially in developing and underdeveloped countries, is the formation and expansion of tourism development, which has been highly sought after by researchers and planners. Studies show that the development of tourism and spatial planning due to having a common goal, a kind of philosophical convergence for the concept of planning as a way of organizing the future life of societies by regulating and designing future social and economic relations, and the precision of the use of physical space. The purpose is to achieve human well-being without destroying the environment. The first step in this way is to clarify the status quo and analyze the status of the potential of rural settlements in the local population, tourists, and the public institution that should be involved in the spatial planning process, because achieving the economic, social and environmental development of rural areas, Requires the proper understanding and understanding of the resources and opportunities available for tourism to exploit them. By examining the current status of rural tourism, this understanding can be achieved through identifying the strengths and weaknesses of the regions as well as the opportunities and threats facing the rural development. In this regard, explaining the level of rural tourism areas in terms of dimensions (space, human activity and activity) as the most important component of tourism development has a special role in spatial planning. Since the present research seeks to answer this question. Which of the spatial planning (space, human, and activity) indicators of tourism has the most impact on rural areas? What is the situation of rural areas in terms of spatial planning of tourism? Therefore, WASPAS and statistical models were used for questioning.

In this way, emphasis on the spatial planning dimensions and their role and position in the process of rural development planning is considered more than before. The results of field studies in rural areas of eastern province of Mazandaran showed that based on statistical sample of single sample t in 10 indexes, and in 8 other indicators, the spatial planning of tourism in the study area is low. And its meaningful level for all indices is quite significant in three categories: residential services, catering services, distribution and information services, and investment attraction. Therefore, the findings of the analysis indicate a good position of rural tourism spatial planning indices in the eastern villages of Mazandaran province.

Conclusion

The results of the \hat{A} WASPAS model, which was the result of field studies, as well as objective observation and the use of the views of the three groups (local people, tourists and experts), showed higher ranking among locals and tourists and experts belonging to the village of Altepe (\neg Abbas-Abad) with Q_i is equal to 856/0 and in second place Shahid-Abad village with Q_i is equal to 129/0 and in the third place of the village of Niala with Q_i is equal to 126/0. Thai villages with Q_i equal to 0.101, the village of Orab with Q_i is equal to 103/0 and Lmorsk with Q_i equal to 105/0. In this way, indicators and items designed as a measure of other rural areas of the country can be used to plan the spatial tourism of villagers.

Keywords: Spatial Planning, Rural Areas, Tourism Capacity, WASPAS Model